

### متن پرسش

با سلام و وقت به خیر استاد: انسان خود را در این دنیا چگونه باید معنا کند؟ من دوستان و اقوامی داشتم و الان هم دارم ولی انگار تمام نسبت‌ها از بین رفته است، خودم را در عالم دیگری می‌یابم انگار همه چیز خواب و خیال بوده است، خود را گم کرده‌ام ولی می‌دانم که هستم چون می‌اندیشم، بیشتر سیر روحانی‌ام روی مسیله وجود است و مسیله زمان ولی وقتی از جنبه دیگری به موضوع نگاه می‌کنم می‌بینم هنوز جای خالی زیاد دارم در روحم. انسانها دارای روح‌های متفاوتی هستند و تفکرات گوناگون ولی طبق گفته بزرگان، تمدن از فرهنگ پدید می‌آید و فرهنگ از تفکر و تمدن حاکم امروز تمدن غرب است که هیچ‌گونه مبنای فکری ندارد، جز عجله و شتاب چیز دیگری ندارد «العجله لشيطان و اتانی لله» ما خودمان را باید در این تمدن معنا کنیم یا اینکه منتظر عالم دیگری باید باشیم؟ آخرش انسان در تلاشست که خود را معنا کند حالا در کدام عالم؟ بحث دیگری که پیش می‌آید اینکه روح انسان در عوالمی قرار می‌گیرد طبق گفته خودتون هنگام انتخابات آقای احمدی نژاد که گفتید حضرت رسول (ص) فرمودند تیشه به سنگ خورد و بعد روم فتح شد این هم یک نگاه است دیگر یا حتی حضور روحانی در صحنه‌های کربلا و زندگی با آن حقیقت، من نمی‌دانم چگونه نسبت بین خودم و این عوالم چه پوچ باشد چه حقیقی را برقرار کنم، خلاصه آنکه می‌خواستم بدانم وجودم بر حق است یا خیر؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در چنین دنیایی برای آن که روحاً گرفتار چنگال‌های فرهنگ غربی نشویم، به گفته‌ی هایدگر باید عالمی را برای خود شکل دهیم که بنده در این راستا، کتاب «عالم انسان دینی» را پیشنهاد می‌کنم. موفق باشید